



The Analysis of "*Leyli and Majnun*" by Nezami based on Seligman's theory of Optimism

Samaneh Nirooumand ¹ | Naeimeh Kia Lashaki ^{2*} |

Vajiheh Torkamani Barandouzi ³ | Maryam Shad Mohammadi ⁴

1. Ph.D Candidate, Department of Persian language and literature, Islamic Azad University, Chalous Branch, Iran. Email: samanehnirooumand@yahoo.com
2. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Chalous Branch, Iran. Email: Naemekialashaki11@iaue.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Chalous Branch, Iran. Email: v.Torkamani@iaue.ac.ir
4. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Chalous Branch, Iran. Email: shadmohamadi80@yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 15/10/2021

Received in revised form:

16/05/2022

Accepted: 16/05/2022

Keywords:

Leyli and Majnun,

Theory of positive thinking,
six virtues.

The currnt study aims at utilizing Seligman's theory of optimism so as to analyze "*Leyli and Majnun*" by Nezami in a descriptive-analytical method. The actions and behavioral features of each character in this book of this book and the included concepts provided in the poems are matched with the virtues and components of optimism presented in the mentioned theory. Having collected the data in the ofrm of graphs, the results indicated that Nezami Ganjavi, who is known as a figurehead of sciences back in his time, has paid special attention to nurturing the good human virtues nd spiritual and psychological excellence of the characters (Leyli and Majnun) in his poetry. Also, The results have depicted that the characters are adorned with six virtues that are provided by Seligman's theory of optimism and these evirtues are frequently narrated in this verse as well. The so called virtues comprise Wise love, humanity and compassion for fellow human beings and even beasts, courage in loyalty between the lover and the beloved, the transcendence of existing pure love, justly ethics between the two, and the maintenance of moderation in their thoughts, actions, and behavior of Leyli and Majnun, who are the main characters of this work. It is worth-mentioning that these virtues are also applied to other people in this book.

Cite this article: Nirooumand, S., Kia Lashaki, N., Torkamani Barandouzi, V. & Shad Mohammadi, M. (2023). The Analysis of "*Leyli and Majnun*" by Nezami based on Seligman's theory of Optimism. *Research Journal in Narrative Literature*, 12(2), 213-234.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: 10.22126/rp.2022.6970.1441



تحلیل داستان لیلی و مجنون نظامی بر مبنای نظریه مثبت‌اندیشی سلیگمن

سمانه نیرومند^۱ | نعیمه کیا لاشکی^{۲*} | وجیهه ترکمانی باراندوزی^۳ | مریم شادمحمدی^۴

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

رایانامه: samanehniroumand@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

رایانامه: Naemekialashaki11@iaue.ac.ir

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. رایانامه: v.Torkamani@iaue.ac.ir

۴. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

رایانامه: shadmohamadi80@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۶

مسئله اساسی این پژوهش بررسی منظمه لیلی و مجنون نظامی بر مبنای نظریه مثبت‌اندیشی سلیگمن،

به روشن توصیفی- تحلیلی است. اعمال و رفتار هر یک از شخصیت‌های این منظمه و مفاهیم

گنجانده شده در لایلای اشعار با فضایل و مؤلفه‌های مثبت‌اندیشی مطرح در نظریه مذکور مطابقت

داده شده و پس از تحلیل نتایج، داده‌های به دست آمده به شکل نمودار ارائه شده است. نظامی

گنجوی که جامع علوم روزگار خود است، در شخصیت پردازی اشخاص داستان لیلی و مجنون با

دیدگاه حکیمانه خود به پرورش فضایل نیکوی انسانی و تعالی روحی و روانی شخصیت‌های منظمه

خود توجه ویژه داشته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد شخصیت‌های این منظمه، آراسته به

فضایل شش گانه مطرح در نظریه مثبت‌اندیشی سلیگمن هستند و ایات راوی این فضایل، از بسامد

بالایی در این اثر برخوردارند. عشق و رزی خردمندانه، انسایت و مهروزی نسبت به همنوعان و حتی

وحوش، شجاعت در وفاداری عاشق و معشوق نسبت به یکدیگر، به تعالی رسیدن این عشق ناب،

وجود برخوردهای عادلانه و حفظ اعدال در افکار و اعمال و رفتار لیلی و مجنون که شخصیت‌های

اصلی این منظمه هستند، به میزان قابل توجهی مشهود است. شایان ذکر است برخورداری از این

فضایل در مورد اشخاص دیگر منظمه نیز صادق است.

واژه‌های کلیدی:

منظمه لیلی و مجنون،

نظریه مثبت‌اندیشی،

فضایل شش گانه.

استناد: نیرومند، سمانه؛ کیا لاشکی، نعیمه؛ ترکمانی باراندوزی، وجیهه و شادمحمدی، مریم (۱۴۰۲). تحلیل داستان لیلی و مجنون

نظمی بر مبنای نظریه مثبت‌اندیشی سلیگمن. پژوهشنامه ادبیات داستانی، ۱۲(۲)، ۲۳۴-۲۱۳.



حق مؤلف © نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه رازی

۱. پیشگفتار

منظمه لیلی و مجنو نظامی، پس از ویس و رامین فخرالدین اسعد گرانی از جمله مهم‌ترین آثار ادبیات کلاسیک محسوب می‌شود. این داستان که روایتی نامکر از کهن داستان عشق است، ریشه در تاریخ کهن قوم عرب، در سده نخست هجری دارد و با ورود به دیگر کشورها، به آداب و رسوم آن‌ها آراسته گردیده، هم‌رنگ مردمان همان محیط گشته است (پیرمرادیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱). این منظمه داستان دلدادگی لیلی، دختری از قیله عامریان و مجنو، پسری از دیار عرب است که نام اصلی او قیس بود و بعد از آشنازی با لیلی و مواجهه با موانع بسیار در مسیر وصال او، وی را مجنو خواندند (ناصری، ۱۳۹۵: ۱۷۶). نظامی در ابداع اصل این داستان مبتکر نبود؛ ولی هنگام نظم در آن تصرّفات بسیار کرده است (صفا، ۱۳۶۳: ۸۰۳).

در مورد عملکرد نظامی به عنوان بزرگ‌ترین لیلی و مجنو سرای فارسی، در شکل‌گیری داستان لیلی و مجنو، مرحوم علی‌اصغر حکمت می‌نویسد: «نظامی این داستان غم‌انگیز را که تحقیقاً نفسی‌ترین گوهرهای پنج‌گانه اوست، از اخباری چند که در حدود قرن هشتم مسیحی از احیا و قبایل نجد باقی‌مانده، اختیار کرده است» (ستودیان، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

درون‌مایه‌ها و مفاهیم مشترک ادبیات و روان‌شناسی که هر دو ریشه در ناخودآگاه انسان دارند از سویی و اشراف شاعران و عارفان گذشته ایرانی بر علوم گوناگون زمان خود از دیگر سو، اشتراکات فراوان فکری را بین فرهنگ کهن و غنی ایرانی- اسلامی و ابداعات دانش و فن‌آوری امروز، در حوزه‌های مختلف، پیش چشم قرار می‌دهد (آخری و بهنام فر، ۱۳۹۵: ۳۸۸). نظامی در نظم منظمه خود، آنچنان به شوهای ماهرانه به حالات روحی شخصیت‌های داستان و پرورش خصایص نیکو در آنان نظر داشته است که می‌توان شخصیت‌های این منظمه به ویژه لیلی و مجنو را که سمبول عشق و عاشقی حقیقی و وفاداری محسوب می‌شوند، با نظریه‌های مختلف روان‌شناسی ارزیابی کرد.

تحلیل و بازخوانی روایت‌های کهن منظوم و منتشر بر اساس نظریه‌های جدید، می‌تواند در شناخت بیش‌تر و عمیق‌تر این آثار مؤثر واقع شود (درپر، ۱۳۸۹: ۶۶). هدف این پژوهش بررسی روان‌شناسانه این داستان با تکیه بر نظریه مثبت‌اندیشی سلیگمن و ایجاد پیوند بیشتر میان دو حوزه ادبیات و روان‌شناسی است.

درباره داستان لیلی و مجنو نظامی، پژوهش‌های گسترده‌ای صورت گرفته است؛ ولی هیچ‌یک بر مبنای رویکرد پژوهش حاضر، نیست. در زمینه بررسی متون ادبی زبان فارسی با تأکید بر نظریه

سلیگمن، مواردی که بیش ترین قربت موضوعی را با پژوهش حاضر دارند بیان می‌شود: در پایان نامه «بررسی مؤلفه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر در مثنوی معنوی مولوی بر اساس نظریه مارتین سلیگمن» از ثمانه اسمعیل‌زاده قندهاری و همکاران (۱۳۹۴)، پس از بررسی و تفسیر مؤلفه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر، هم‌سویی آن‌ها با مفاهیم موجود در مثنوی معنوی تأیید شده است. مقاله «تحلیل اندیشه‌های مثبت‌گرایانه در مثنوی معنوی از منظر علم روان‌شناسی» نوشته پروین گلی‌زاده و همکاران در مجله پژوهش‌های ادب عرفانی (۱۳۹۵)، به چاپ رسیده است. بر پایه نتایج حاصل از این پژوهش، کلید هر معتمایی را باید در باطن جُست و دل و ذهن را که محل تجلی حق است، باید از افکار تیره زدود؛ زیرا نگرش مثبت، شفابخش و حامل خیر است. مقاله «شاعر نیشابوری و مثبت‌نگری» در فصلنامه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی از سوسن نظری (۱۳۹۶) به چاپ رسیده است. طبق یافته‌های این پژوهش، خیام، زندگی در زمان حال را پیشنهاد می‌کند و از اندوهگین بودن نسبت به گذشته و آینده پرهیز می‌کند.

مقاله «بررسی شخصیت سیاوش با نظریه مثبت‌اندیشی سلیگمن» نوشته وجیهه ترکمانی و سمانه نیرومند در مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (۱۳۹۸) به چاپ رسیده است. بر مبنای این جستار، سیاوش، اسطوره‌ای سراسر نیکی و فضیلت است. او مصدق بارز شخصیتی خردمند، شجاع، نوع‌دوست، عادل، خویشنده و متعالی است و تمام فضایل ذکر شده را در عالی ترین درجه در وجود خود دارد. با وجود پژوهش‌های بسیار در حوزه آثار نظامی، اثری که به بررسی مؤلفه‌ها و فضایل اخلاقی شش‌گانه مطرح در نظریه مذکور در آثار نظامی پیردادزد، یافت نشد و بسامد بالای عناصر مثبت‌اندیشی در این منظومه، مایه ضرورت بررسی و تحلیل گردید؛ از این رو، جستار پیش‌رو به مثابه پژوهشی نو محسوب شده و برآن است که چگونگی استفاده شاعر از این فضایل را در جهت هدف‌مندی اشعارش آشکار نماید.

۱-۱. اهداف، روش و چارچوب نظری پژوهش

هدف پژوهش حاضر، شناسایی و بررسی فضایل نیکوی انسانی در مورد شخصیت‌های منظومه لیلی و مجنون نظامی است که با دقّت در احوال و اعمال آنان در مواجهه با مسائل و مشکلات پیش‌روی‌شان در راه رسیدن به هدف، با نگاه به نظریه مثبت‌اندیشی سلیگمن حاصل می‌شود. با توجه به این که انجام این پژوهش‌ها، دیدگاهی نو در تحلیل و بررسی آثار ادبی، از جمله حوزه ادب غنایی و منظومه لیلی و

مجنون نظامی است؛ پس گامی نو در مسیر تحول و ترویج پژوهش‌های میانرشته‌ای محسوب می‌شود و می‌تواند زمینه را برای پژوهش‌های گسترده‌تر در این حوزه فراهم کند؛ در نتیجه به وحدت‌بخشی بیشتر بین شاخه‌های مختلف علوم انسانی منجر می‌شود.

در این جستار که به شیوه کتابخانه‌ای و روش توصیفی- تحلیلی است، پس از مطالعه کامل منظومه لیلی و مجنون، به بررسی فضایل نیکوی اخلاقی- انسانی در شخصیت‌های این منظومه با تکیه بر فضایل شش گانه مطرح در نظریه مثبت‌اندیشی سلیگمن، پرداخته شد و پس از استخراج ایات مرتبط با هر یک از فضایل و فیش‌برداری و انطباق نتایج حاصل با هریک از شخصیت‌های داستان، نمودار مربوط به فضایل شش گانه ارائه گردید.

۱- پرسش‌های پژوهش

این جستار بر آن است به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

- انطباق خصوصیات اخلاقی و رفتاری شخصیت‌های منظومه لیلی و مجنون نظامی با فضایل مطرح در نظریه مذکور تا چه میزان است؟
- کدام‌یک از فضایل شش گانه نظریه سلیگمن در این منظومه، نمود بیشتری دارد؟

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. مارتن سلیگمن

مارتن سلیگمن^۱ پژوهش‌گری برجسته است که از اقدامات اصلی وی، معروفی و پیش‌برد روان‌شناسی مثبت به عنوان یک رویکرد علمی است.

۲-۲. روان‌شناسی مثبت و نظریه مثبت‌اندیشی

در قرن بیست‌ویکم، روان‌شناسی پیشرفته غرب در بنبستی قرار گرفت که علم و ثروت دیگر نتوانست روح کمال طلب بشر را راضی نگاه دارد. روان‌شناسی مثبت در این تنگکای افسردگی، با ارائه دیدگاهی نو کوشید تا از مشکلات روانی بشر گره‌گشایی کند (خوشحال و عباسی، ۱۳۹۶: ۳۰ و ۳۱). سلیگمن و همکارانش با استفاده از روش علمی و طبقه‌بندی مفاهیم توانستند مجموعه کاملی از مفاهیمی چون خردورزی، عدالت، شجاعت، شادی، امید، خوشبینی، نوع‌دوستی، عشق و... را در یک مکتب جدید

فکری با عنوان رویکرد مثبت‌نگر معرفی نمایند (عینی، ۱۳۹۵: ۲۹۰-۲۹۱). علم روان‌شناسی مثبت بر سه سطح مختلف؛ ذهنی، فردی و گروهی استوار است. سطح ذهنی همان مطالعه تجارب مثبت مانند شادی، رضایت و خوش‌بینی است. هدف سطح فردی، شناسایی اجزای زندگی خوب است و شامل ویژگی‌های لازم برای شخص خوب بودن است. در سطح گروهی، تأکید بر فضایل مدنی است و بیشتر به انجام کارها یا رفتارهای مثبتی می‌پردازد که به چیزی فراتر از خود ما مربوط است (شریفی و رضاخانی، ۱۳۹۸: ۲۲-۲۳). مثبت‌نگری فرآیندی تعتمدی و انتخابی است؛ زمانی که به دنبال خوب هستید، احتمال یافتن آن بسیار زیاد است (پیل، ۱۳۸۸: ۱۷). روان‌شناسی مثبت‌گرا موجب می‌شود از عواملی که به افراد، به صورت فردی یا جمعی، کمک می‌کند تا به رشد و بالندگی برسند، شناخت بیشتری پیدا کنیم و آن‌ها را بهتر به کار بندیم (مکیار- موئی، ۱۳۹۹: ۱۹). جدیدترین شواهد علمی گواه آن است که این حوزه از روان‌شناسی، فقط بازتاب موفقیت و سلامتی نیست و می‌تواند ایجاد کننده آن‌ها باشد (فردریکسون، ۱۳۹۷: ۲۹). از نظر سلیگمن نوع نگرش انسان نسبت به خود، دیگران و زندگی آینده، وضعیت روانی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نگرش شادکامی برای اوی تعهد، ارزش و معنا را ایجاد می‌کند و همدلی و نوع دوستی را افزایش می‌دهد و جامعه را از افسردگی، خشونت و رکود دور می‌سازد (پیرانی، ۱۳۹۲: ۳۴۲).

۲-۳. فضایل شش گانه مطرح در نظریه مثبت‌اندیشی سلیگمن

سلیگمن شش فضیلت را به عنوان ویژگی‌های اساسی تأییدشده، تقریباً برای تمامی سنت‌های مذهبی و فلسفی برگزیده و معتقد است آن‌ها با هم عقیده منش خوب را به دست می‌دهند (سلیگمن، ۱۳۹۷: ۱۷۳). فضایلی همچون خرد، شجاعت، انسانیت، عدالت، خویشنده‌داری و تعالی، صفات اصلی و جهانی هستند که فلاسفه اخلاق و متفکران مذهبی آن‌ها را ارزشمند دانسته‌اند (پیترسون و سلیگمن، ۱۳۹۶: ۳۳). طرق مختلفی برای نیل به هر فضیلت، وجود دارد که همان قابلیت‌های منش هستند. طبقه‌بندی این فضایل شامل بیست و چهار توانمندی است و صفات مثبتی مانند شجاعت، مهربانی را در بر می‌گیرد (همان). کنفوسیوس، ارسسطو، آکوئیناس و سایر سنت‌های معتبر، با وجود اختلاف در جزئیات، شش فضیلت اساسی بیان شده را در بر می‌گیرند. هم‌گرایی سنت‌های فلسفی متفاوت در طی هزاران سال، امری مشهود است و روان‌شناسی مثبت‌گرا این توافق بین فرهنگی را راهنمای خویش کرده است (سلیگمن، ۱۳۹۷: ۲۱ و ۲۲).

۱-۳-۲. خرد و دانایی

خرد، شامل دانش گسترده و عمیق درباره شرایط زندگی و امور انسانی و قضاوت متفکرانه درباره کاربرد این دانش است. خرد نوعی هوش ناب و اصیل است که در حضور آن، هیچ کسی رنجیده نیست و همه قادران و سپاس‌گزاراند (پرسون و سلیگمن، ۱۳۹۶: ۷۳). این فضیلت از طریق توانمندی‌هایی مانند خلاقیت، کنجدکاوی، عشق به یادگیری، آزاداندیشی و آنچه که ما آینده‌نگری می‌نامیم - یعنی داشتن یک تصویر کلی از زندگی - خود را نشان می‌دهد (همان: ۳۳).

بررسی ابیات دربردارنده مفهوم خرد در این داستان نشان می‌دهد نظامی در اغلب موارد به منظور ستایش پروردگار و نصیحت مخاطب و بیان قدرت و دقّت خداوند متعال در آفرینش جهان از این فضیلت بهره برده است.

هفتاد گره بدوجشادی
صد آینه را بدان زدودی
(نظامی، ۱۳۸۸: ۳۱۱)

گر هفت گره به چرخ دادی
خاکستری از خاک سودی

شاعر پس از ستایش خداوند سبحان که خرد حقیقی است زبان به نعت رسول اکرم می‌گشاید و در وصف خرد و دانایی ایشان چنین سخن می‌راند:

سلطان خرد به چیره دستی
(همان: ۳۱۴)

ای شاه سوار ملک هستی

نظامی هنگامی که قصد دارد فرزند خود «محمد» را به شروان‌شاه بسپارد، دلیل این رفتار خود را، خردمندی شروان‌شاه و احاطه‌وی بر علوم گوناگون و تأثیر‌وی بر تربیت فرزند عنوان می‌کند:

مغز ملکان به هوشمندی
(همان: ۳۲۹)

... فخر دو جهان به سر بلندی

نرمست چنانکه مهر مومن
(همان: ۳۲۵)

اسرار دوازده علم و مهش

از میان اشخاص اصلی و فرعی این منظومه، مجنوون و پدرش بیش از سایرین متصف به این فضیلت هستند. ابیات روای خردمندی پدر مجنوون، وصف صحنه‌های نصیحت فرزند از سوی پدر است. پدری با تجربه که از سر خیرخواهی در این مسیر پرفراز و نشیب همراه مجنوون است و از فرزند توقع واقع‌بینی و امیدواری به آینده را دارد و از وی می‌خواهد دست از این عشق نافرجام بردارد.

زنده نشستی از ملامت؟
آن به که تکوبی آهن سرد
(همان: ۳۵۴)

دل سیر نگشتی از ملامت?
... بشین وز دل رها کن این درد

نظامی که اشعری مذهب و جبری مزاج است، شخص منفعی مانند مجنون که خود را یک‌سره بسته تقدیر می‌داند پرورده است (حمیدیان، ۱۳۷۳: ۱۹۴)؛ در بیشتر موارد، خرد مجنون - که شخصیتی مردم‌گریز و مخالف قوانین قبیله‌ای دارد - در نگرش وی نسبت به پذیرش تقدیر نمود می‌یابد.

دانی که حساب کار چونست
(همان: ۳۵۳)

خردمندی لیلی که دارای شخصیتی ایستا و وفادار به عهد و پیمان خود با معشوق و دربند تعصبات خشک قبیله‌ای است، با سایر فضایل اخلاقی همچون اعتدال و تعالیٰ شخصیت وی عجین شده است.

تن در دادم به غم کشیدن
(همان: ۴۰۳)

در مثنوی لیلی و مجنون، گاه شاعر مصلحت‌بینی را هم‌تراز خرد می‌داند؛ به همین دلیل هنگامی که قصد دارد تصویری از «نوفل» ارائه کند او را مرد خrdمندی توصیف می‌کند که با فهم کامل شرایط، آنچه مقتضای حال است انجام می‌دهد. خrdمندی نوفل در رویه‌رو شدن وی با قبیله لیلی، مشهود است:

جز صلح دری زدن زیان دید
تا صلح دهد میان ایشان
(همان: ۳۶۹)

خردورزی، زمانی پسندیده است که با در نظر گرفتن مصلحت توأم باشد. در ایات زیر، مجنون با رهگذری رویه‌رو می‌شود و از ماجراهی ازدواج لیلی می‌نالد. رهگذر، با در نظر گرفتن مصلحت فردی مجنون، او را پند می‌دهد. این پندها برخاسته از خردی مصلحت‌اندیش و پذیرفته‌شده عموم مردم است:

بی کار کسی تو با چنین کار
بر دشمنیش گمان نبردی
بد عهد شد و نکرد یادت
(همان: ۳۸۳)

در مورد پدر لیلی، جوانی که ندیم شاه بود، شاه، خال و ابن‌سلام نیز ایاتی وجود دارد که مفهوم این فضیلت را در خود جای داده است.

۲-۳-۲. شجاعت

دومین فضیلت مطرح در نظریه مذکور، شجاعت است. توانمندی‌های شجاعت منعکس کننده تمرین خود آگاهانه قدرت اراده‌اند تا با وجود سختی‌های زیاد به سوی اهداف ارزشمند حرکت کنند. شجاعت در جهان، تحسین‌برانگیز است و هر فرهنگی قهرمانانی دارد که نماد این فضیلت هستند

(سلیگمن، ۱۳۹۸: ۴۸۱). دی. پوتنام (۱۹۹۷)، ضمن توصیف شجاعت، سه نوع آنرا مشخص کرده است: فیزیکی، اخلاقی و روان‌شناختی. شجاعت فیزیکی هنگام غلبه بر ترس و... ابراز می‌شود. شجاعت اخلاقی، حفظ اصالت اخلاقی است که ممکن است به بهای از دست دادن دوستان، کار یا متزلت اجتماعی تمام شود. شجاعت روان‌شناختی نیز شجاعت ذاتی برای روبه‌رو شدن با اهریمنان درونی خویش است (پترسون و سلیگمن، ۱۳۹۶: ۶۸). شهامت، پشت‌کار و سخت‌کوشی، یکپارچگی (اصالت، صداقت) و سرزندگی (اشتیاق، قدرت)، توانمندی‌های این فضیلت را بیان می‌کنند.

از نگاه سلیگمن یکی از فضیلت‌های مؤثر در داشتن حس شادمانی و رضایت از زندگی، برخورداری از شجاعت در عرصه عمل و گفتار است. نظامی جسارت در کلام را نوعی شجاعت دانسته، آن را ستوده است. در ایات آغازین منظومه لیلی و مجنون، شاعر مهم‌ترین دلیل سرایش این منظومه را شجاعتی می‌داند که قلم به دست او داده تا آنچه در دل دارد بر صفحه جاری سازد. اندیشیدن و به زبان آوردن و نوشتمن، از نگاه نظامی یکی از جلوه‌های شجاعت در کلام است:

چون دل دهی جگر شنیدم	دل دوختم و جگر دریدم
در جستن گوهر ایستادم	کان کندم و کیمیا گشادم
(همان: ۳۲۴)	

در شعر نظامی، ممدوحان، زمانی به شجاعت ستوده می‌شوند که در مقابل نابرایری‌ها قد علم کنند و برای برقراری عدالت در جامعه، رفتارهای شجاعانه از خود نشان دهند. ایات زیر، رفتارهایی از شروان‌شاه اخستان بن منوچهر را به تصویر می‌کشد که رنگی از شجاعت دارند و این رفتارها در برابر وضعیت دشوار (رویارویی با دشمن) از وی سر می‌زنند:

بر هر که رسید تیغ تیزش	بر بست اجل ره گریزش
بر هر ذرهی که نیزه رانده	یک حلقه در آن زره نمانده
زوبینش به زخم نیم خورده	شخص دو جهان دو نیم کرده
(همان: ۳۲۶)	

کسی که در راه رسیدن به هدف در مقابل سختی‌ها با اقتدار ایستادگی می‌کند، شجاع است. نظامی، لیلی و مجنون را شخصیت‌هایی شجاع توصیف می‌کند. این دو عاشق دل داده تا آخرین نفس، در راه وصال محظوظ، ذره‌ای عقب‌نشینی نکردند؛ اما تقدیر برای آنان جور دیگری رقم خورد. شاعر در توصیف احوال لیلی بعد از ازدواج با ابن‌سلام، سیمای زنی جسور و شجاع را ترسیم می‌کند که تظاهر به عشق و مهروزی را نمی‌پذیرد. او دل در گرو عشق مجنون دارد و زمانی که ابن‌سلام به وی اظهار عشق می‌کند با شجاعتی مثال زدنی این عشق را پس می‌زنند:

کافتاد چو مرده مرد بی‌خود از خویشن و زم من برایی کار است به صنع خود تکارم ور تیغ تو خون من بریزد (همان: ۳۸۲)	لیلیش طپانچه‌ای چنان زد گفت ار د گر این عمل نمایی سو گند به آفرید گارم کز من غرض تو بزنخیزد
--	--

راه وصال معشوق بسیار سخت می‌نماید؛ اما مجنون هرگز از مسیر عشق برنمی‌گردد. در روزگار مجنون، بر ملا کردن راز عشق، از هر مردی ساخته نبود؛ اما مجنون این شهامت اخلاقی را داشت که صادقانه از عشق خود سخن بگوید. شاعر در وصف شجاعت مجنون و بی‌توجهی به حرف مردم می‌گوید:

یا بر حرفش کسی نهد دست می‌بود نه زنده و نه مرده سنگ دگرش فتاده بر دل (همان: ۳۴۲)	او فارغ از آن که مردمی هست حرف از ورق جهان سترده بر سنگ فتاده خوار چون گل
---	---

نظامی در ایات آغازین این مثنوی، مخاطب خود را از تبلی و بی‌عاری منع می‌کند و او را زنها ر می‌دهد که مبادا پای آبله، به عنوان یک مانع، تو را از ادامه راه باز دارد. در حقیقت وی قصد دارد که مخاطب را به سخت کوشی، با وجود موانع دعوت کند. وی خطاب به نوع انسان چنین می‌گوید:

پایی به سر نمد فرو روب گو جمله راه پر خسک باش سیلی خود و رو گشادگی کن (همان: ۳۳۷)	گرد از سر این نمد فرو روب در رقص رونده چون فلک باش مرکب بده و پیادگی کن
--	---

افزون بر نمونه‌های یاد شده، شاعر این فضیلت را در مورد خودش، پدر مجنون و لیلی، نوفل، قبیله لیلی، رهگذر، ابن‌سلام و صیاد نیز به کار برده است.

۲-۳-۳. انساقیت و عشق

انسانیت که در روان‌شناسی، با عنوان رفتارهای نوع دوستانه یا جامعه‌پسند تعبیر می‌شود، سومین فضیلت شایان توجه در نظریه مثبت‌نگر سلیگمن است. رفتارهای نوع دوستانه به دلیل حفاظت از خانواده و تعهد به هنجارهای اجتماعی است. صرف نظر از دلایل واقعی نوع دوستی و رفتارهای جامعه‌پسند، انسان‌ها این توانایی را دارند و حتی گاهی آرزو دارند که در فعالیت‌های مرتبط با گذشت، مهربانی یا خیرخواهی مشارکت کنند؛ فعالیت‌هایی که بر اساس توافق، ارزشمند به شمار می‌آیند و موجب ارتقای معنوی افراد می‌شوند. اگر هدف نهایی ما ارتقای رفاه دیگران باشد، انگیزه رفتار ما نوع دوستی است. این واکنش

هیجانی با همدردی، دلسوزی و خوش قلبی مترادف است (کار، ۱۳۸۵: ۸۹-۸۸) و احساسی خوشایند برای فرد به ارمغان می‌آورد (گلیزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۰). توانمندی‌های مربوط به این فضیلت در تعامل اجتماعی مثبت با دیگران خود را نشان می‌دهد (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۴۸۶). این توانمندی‌ها عبارت‌اند از: مهربانی (گذشت، مهروزی و خوبی)، عشق و هوش اجتماعی.

مدينۀ فاضله نظامی در صورتی قابل تحقیق است که انسان‌ها به مرز انسانیت قدم بگذارند؛ انسانیت و نوع دوستی، تمدنی شاعر از مخاطبان است و بی‌افکنند کاخی از عشق و مهربانی در خلق آثار عاشقانه، مورد توجه وی بوده است. اشخاص داستان لیلی و مجنون آراسته به این فضیلت ممتاز اخلاقی هستند. شاعر، ممدوح خود را به داشتن خصلت انسانیت می‌ستاید و در جایی در توصیف بخشنده‌گی وی که از جلوه‌های بارز این فضیلت است، چنین می‌گوید:

بخشد به قصیده دیاری	گیرد به جریده حصاری
دریاش نیاورد در آغوش	آن فیض که ریزد او به یک جوش
گویی نه زر است سنگلاخ است	زر با دل او که بس فراخ است
(همان: ۳۲۷)	

با تأمل در رفتار پدر مجنون، وی را در تمامی صحنه‌ها نماد انسانیت و مهروزی می‌یابیم. او همچون پدری دلسوز، به دنبال ترمیم دل شکسته او از درد عشق است. نظامی او را در کسوت پدری مهروز نشان می‌دهد که در غم فرزند، جان می‌کاهد:

غمگین پدر از حکایت او	خویشان همه در شکایت او
رنجور دل از برای فرزند	مسکین پدرش بمانده در بند
(همان: ۳۴۵)	

در داستان‌های عاشقانه نظامی، نشانی از کینه و نامهربانی عاشقان نسبت به یکدیگر وجود ندارد. لیلی در مقام معشوقه، بنا بر سنت عشق در ادب فارسی، وفادار مجنون است و خالصانه به معشوق خود عشق و مهر می‌ورزد. او طاقت دیدن اشک‌های معشوق و بی‌قراری او را در فراق پدر ندارد و در تسکین آلام مجنون در فراق پدر چنین می‌گوید:

چون ابر مشو به گریه در غرق	از بی‌پدری مسوز چون برق
کان گوشکن گهر بماناد	گر رفت پدر پسر بماناد
(همان: ۴۰۶)	

مهربانی، هنگامی محقق می‌شود که فرد در حق دیگری، رفتاری از سر لطف و عنایت انجام دهد. توجه نوبل به مجنون که از دیگر شخصیت‌های نوع دوست این منظومه است، نه از روی نفع شخصی،

بلکه از سر انسانیت و مهربانی است. وی زمانی که مجنون را اسیر عشق لیلی می‌بیند، در برابر قبیله لیلی، صفاتی آراید تا به جنگ و زور، وی را از قبیله خود بستاند و مجنون را از درد و غم رهایی دهد:

گردانم با تو هم ترازو	کو را به زر و به زور بازو
از آهنگش آورم فرا چنگ	... گر باشد چون شراره در ستگ
از وی تکنم کمند کوتاه	تا همسر تو تگردد آن ماه
(همان: ۳۶۴)	

مهرورزی مجنون علاوه‌بر لیلی، شامل حال وحش نیز بوده است. در حکایت «رهاندن مجنون آهوان را» می‌توان حمایت عاطفی مجنون از حیوانات را مشاهده کرد. در این حکایت چنین آمده است:

صیاد سوار دید و درماند	مجنون به شفاعت اسب را راند
مهمان توأم بدانچه داری	گفتا که به رسماً دامیاری
این یکدو رمیده را رها کن	دام از سر آهوان جدا کن
(همان: ۳۷۷)	

در حکایت «آمدن سلیم عامری، خال مجنون، به دیدن او» می‌توان حمایت عاطفی اطرافیان مجنون را از او مشاهده کرد. خال مجنون، او را در میان بیابان‌ها، عریان و آشفته می‌یابد. دلش به رحم آمده جامه از تن خود می‌کند تا وی را پوشاند. این رفتار، نشان‌گر حمایت عاطفی شخصیت‌های منظومه از یکدیگر و یکی از نشانه‌های سلامت روان جامعه است:

بی گور و کفن میان آن گور	چون یافت سلیمش آن چنان عور
آورد و نمود عذر بسیار	آن جامه تن که داشت دربار
(همان: ۴۱۰)	

در زمینه اهمیت وفا به عهد که جلوه‌ای دیگر از انسانیت است آمده است:	
وانگه به خلاف قول بودن	دلداری بی‌دلی نمودن
یاران به از این کنند یاری	دور افتاد از بزرگ‌واری
از چون تو کسی روانی نیم	قولی که در او وفا نینم
(همان: ۳۶۶)	

در مورد سایر اشخاص فرعی داستان نظیر: مادر و دایه مجنون، ابن‌سلام، مادر و پدر لیلی و... نیز ایاتی وجود دارد که بیان‌گر وجود این فضیلت اخلاقی در شخصیت آنان است.

۴-۳-۲. عدالت

اگر عدالت را قرار گرفتن هرچیز در جای خود بدانیم آن‌گونه که حضرت علی (ع) در نهج البلاعه فرموده‌اند: «العدل يضع الامور مواضعها» (۵۲۶: ۱۳۹۶)، این فضیلت به آن‌چه که زندگی را قابل قبول

می‌کند، اشاره می‌کند و در جوامع غربی، معمولاً به معنای مساوات ترجمه می‌شود (اسماعیلی و یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۶). قابلیت‌های این فضیلت عبارت‌اند از: شهروندی (وظیفه‌شناسی، کارگروهی، وفاداری)، انصاف‌وبرابری و رهبری. این توانمندی‌ها در فعالیت‌های مدنی مشهودند، فراتر از روابط فردی هستند و چگونگی ارتباط با گروه‌های بزرگ‌تر مثل خانواده، جامعه و جهان را نشان می‌دهند (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۴۸۹). با توجه به این که در این داستان به دلیل خودکامگی پدر لیلی، دو شخصیت اصلی داستان در آتش فراق می‌سوزند و تلاش‌های آنان در راه وصال بی‌نتیجه مانده است، فضیلت عدالت، تحت الشّاعر این موضوع قرار گرفته؛ به همین دلیل در داستان مذکور، این فضیلت در مقایسه با سایر فضایل نمود کمتری دارد. زمانی که نوفل تصمیم می‌گیرد در برابر قبیله لیلی، صفات‌آرایی کند، یاران به هم‌عنانی او برخاسته، به تعییر صاحب‌نظران امروزی، حقوق شهروندی خویش را ادا می‌کنند. در اهمیت کارگروهی و اتحاد در نبرد دوم نوفلیان با قبیله لیلی که پیروزی نوفلیان را در پی داشت چنین آمده است:

از سنگ برآورند همانی	یاران چو کنند همانی
پیروزی از افق خیزد	پرکندگی از نفاق خیزد
(همان: ۳۷۰)	

در بخشی از منظمه، شاهد دریند بودن اسیری توسط پیروزی هستیم که در پی مشتبی علف او را به زنجیر کشیده بود و در گفت‌و‌گو با مجنون که دلیل این اسارت را جویا شد، چنین پاسخ داد:

دو نیمه کنیم راست راست	بینیم کزان میان چه برخاست
گردی به میانه در نماند	نیمی من و نیمی او ستابند
(همان: ۳۷۸)	

شاعر، هنگامی که مجنون از شنیدن خبر ازدواج لیلی با ابن‌سلام بی‌قراری می‌کرد، در بیان عدالت رهگذری که قصد دل‌جویی از مجنون و تذکر به وفاداری لیلی را داشت چنین آورده است:

سر با سر او شبی نخست	شویش که ورا حریف و جفتست
ار عهد تو دور نیست دستش	گرچه دگری نکاح بستش
(همان: ۳۸۴)	

۵-۳-۲. اعتدال (خویشن‌داری)

خویشن‌داری، همان خودکارآمدی یا خودتنظیمی است و توانایی اراده فرد برای «نه» گفتن و عملی کردن آنچه مقبول است، می‌باشد. این فضیلت، یک سازوکار نیرومند درونی است که کنش‌های اخلاقی آدمی را هدایت می‌کند تا انتخاب‌هایی درست و معقول داشته باشد. خویشن‌داری، آدمی را از

شكل گیری اعمال بالقوه مخاطره‌آمیز محافظت می‌کند و به عنوان یک توانمندی اساسی، بر ابزار مناسب و معادل دست‌یابی به خواسته‌ها و تمایلات دلالت دارد. افراد میانه‌رو در برآورده کردن نیازهایشان به نحوی عمل می‌کنند که به خود و دیگران آسیب نرسانند (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۴۹۳). خودکنترلی، آینده‌نگری (دوراندیشی)، بخشش و گذشت و فروتنی (تواضع) قابلیت‌های این فضیلت هستند. نظامی در ترسیم اشخاص و فضای حاکم بر این منظومه، توجه ویژه‌ای به این فضیلت داشته است.

وی در باب لزوم رعایت اعتدال و اهمیت آن، چنین آورده است:

گه حله گهی حصیر بافند	در چین نه همه حریر بافند
انجامش آن به سازگاریست	در هر چه از اعتدال یاریست
(همان: ۳۳۴)	

نشانه‌های برجسته اعتدال، در شخصیت پدر مجنون مشهود است. وی پس از دریافت پاسخ منفی از طرف پدر لیلی و با درک عشق فراوان مجنون نسبت به لیلی، در صدد آن است تا فرزند خود را به پرهیز از افراط در عشق فرا خواند. او نیک می‌داند عشقی که در دل فرزند می‌جوشد زندگی او را به نابودی می‌کشاند؛ از این رو، وی را به خودکنترلی فرامی‌خواند. پدر همواره سعی دارد با سخنان خود، نیروی خویشن‌داری را در وجود مجنون ایجاد کند:

در خرگه کار خرد کاری	عیبی است بزرگ بی‌قراری
بنشین وز دل ره‌اکن این درد	آن به که تکوبی آهن سرد
	(همان: ۳۵۴)

ابن سلام نیز از زمرة افرادی است که خویشن‌داری، ویژگی بارز شخصیت اوست. او اراده‌ای دارد که در مقام همسری لیلی، تنها به نظاره کردن او بستنده کند. وی با مشاهده واکنش لیلی، درمی‌یابد که لیلی، دل در گرو عشق او ندارد و به محض دریافت خشم لیلی، سخنانی بر زبان جاری می‌کند که حاکی از خویشن‌داری او در برابر رویداد تlux پیش آمده است. نظامی در توصیف عشق ابن سلام نسبت به لیلی و رعایت اعتدال از جانب وی، چنین می‌سراید:

لیکن به طریق سر کشیدن	می‌توانست از او بریدن
کز دیدن آن مه دو هفتة	دل داده بود ز دست رفته
گفتا چوز مهر او چنینم	آن به که در او ز دور بینم
	زان به که کند ز من کناره
	(همان: ۳۸۲)

لیلی نیز در کنش‌ها و تمایلات خویش میانه‌رو است. او یارای افراطی گری را ندارد؛ چه اگر داشت، داستان لیلی و مجنون چنین رقم نمی‌خورد. پذیرش همسری ابن سلام، نشان از روحیه میانه‌روی او دارد.

در نامه او به مجnoon، شاهد عشقی جوشان همچون آتش زیر خاکستر هستیم که با خویشتن داری، مانع از شعله ورشد آن می‌شود.

با کس نزنم دمی در این غم
(همان: ۴۰۳)

مسکین من بی کسم که یک دم

در جایی دیگر در وصف اعتدال لیلی که دربند عفت و حیای دخترانه خود و تعصبات خشک قبیله‌ای و خانوادگی خود بود چنین آمده است:

پوشیده به نیم شب زدی آه
شیرین خندید و تلخ بگریست
(همان: ۳۵۸)

از بیم رقیب و ترس بدخواه
چون شمع به زهر خنده می‌زیست

نوعی از اعتدال که توأم با آینده‌نگری و احتیاط است، در مقابله نوفل با قبیله لیلی مشاهده می‌شود. نوفل به قصد لیلی، صفاتی آراید تا در نبردی سخت، لیلی را برای مجnoon بستاند؛ اما پدر لیلی، این جنگ را وانمی‌گذارد و با قاطعیت پاسخ رد به نوفل می‌دهد. نوفل مرد دوراندیشی است؛ او خوب می‌داند که ادامه این نبرد، عاقبت روشنی نخواهد داشت؛ بنابراین می‌گوید:

در دادن سرکه هم مکوشید
شمშیر زدن چراست باری
گشت آن دو سپه زیکدیگر باز
(همان: ۳۶۹)

ورزان که شکر نمی‌خروشید
چون راست نمی‌کنید کاری
چون کرد میانجی این سرآغاز

۲-۳-۶. تعالی

تعالی، آخرین فضیلت مورد توجه نظریه مثبت‌اندیشی سلیگمن- توانمندی‌های هیجانی است که بر چیزی فراتر و بالاتر از شما تأکید دارد و موجب اتصال به چیزی بزرگ‌تر و پایاتر می‌شود (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۴۹۷)؛ بنابراین متضاد پوچ‌گرایی است. کسی که لایق تعالی است باید پاک و مقدس و به دور از ریا باشد و چنین شخصی شایسته احترام و قدردانی است (کار، ۲۰۰۴: ۵۵-۵۶). تحسین زیبایی‌ها و نیکی‌ها، قدرشناسی، امید (خوشبینی، جهت‌گیری آینده‌محور)، معنویت (مذهبی بودن) و شوخ طبعی از قابلیت‌های این فضیلت‌هستند (پیترسون و سلیگمن، ۱۳۹۶: ۶۱-۵۹).

این فضیلت در منظومه لیلی و مجnoon بیش از سایر فضایل مورد توجه نظامی بوده است. شاعر، اشخاص منظومه خود را به دلیل برخورداری از این ویژگی، ستوده است. وی در ترسیم زیبایی‌های اشخاص این داستان و ترکیب زیبایی‌های درونی و ظاهری آنان و حتی طبیعت، بسیار موفق عمل کرده است. شاعر در آغاز داستان، بخشی را به احوال لیلی اختصاص می‌دهد و زیبایی‌های نهفته در ظاهر و

باطن وی را کشف و توصیف می‌کند. وجود این فضیلت در شخصیت لیلی که آیت نیکویی بود به حدّی نمایان است که به قول شاعر همگان آرزوی وصال او را داشتند.

می‌داد خبر ز لطف بویش	وز هر طرفی نسیم کوبیش
دلگرم شدند خواستاران	بر صحبت او ز نامداران
می‌جست ز حسن او وصالی	هر کس به ولایتی و مالی
(همان: ۳۸۰)	

بیشتر ایاتی که مفهوم تعالی را در خود جای داده است، توصیف صحنه‌های ناب و متعالی ابراز عشق لیلی و مجنون نسبت به یکدیگر است. احساسی که در پس این واژه‌ها نهفته، ناب‌ترین و خالص‌انه‌ترین احساسات عاشق و معشوق نسبت به یکدیگر را به تصویر می‌کشد.

کار از لب خشک و دیده تر	بگذشت ز عشقت ای سمنیر
و این راه به بی‌خودی توان رفت	...با تو خودی من از میان رفت
(همان: ۴۰۹)	

زیبایی نهفته در بطن طبیعت از دیگر مظاهر تعالی در مثوى مذکور است. توصیف‌های شاعر از صحنه‌های طبیعت و تصاویری که به قدرت قلم و تخیل شاعر نقش می‌بندد، مخاطب را به درک بهتر زیبایی‌های موجود رهنمون می‌شود. ایات زیر وصف زیبایی شب است:

رو تازه فلک چو سبز گلشن	دخشنه شبی چو روز روشن
زدین شده چرخ را شمایل	از مرسله‌های زر حمایل
(همان: ۳۹۸)	

پایان داستان، توصیف صحنه‌های غمانگیز جان‌سپاری لیلی و مجنون است که با وداع از دنیای فانی به دنیای باقی و متعالی متصل شدند، گویی این جهان ظرفیت پذیرش چنین عشقی را نداشت.

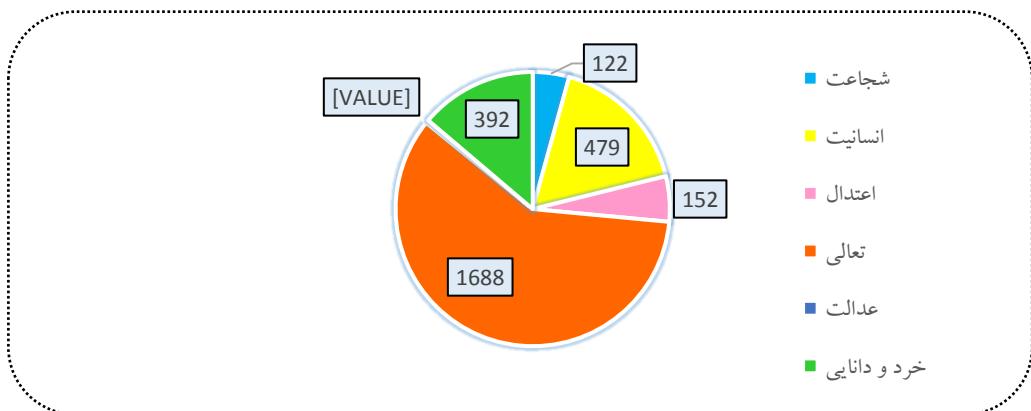
سوگند به هر چه برگزید است	...کای خالق هرچه آفرید است
در حضرت یار خود رسانم	کز محنت خویش وا رهانم
(همان: ۴۲۹)	

۳. نتیجه‌گیری

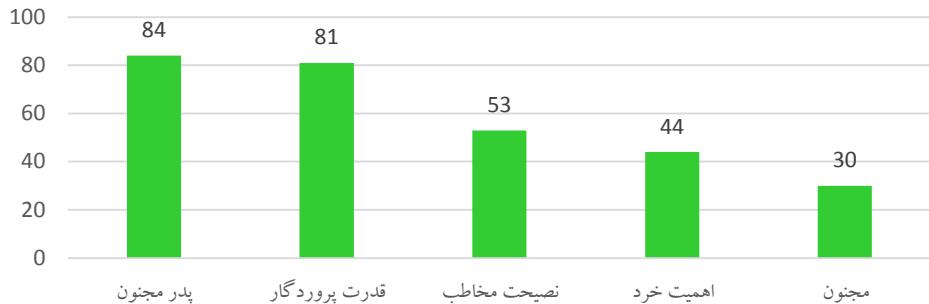
با مطالعه ممنظومة لیلی و مجنون نظامی، در گام اول حزنی به روح و روان خواننده غالب می‌شود؛ گویی این داستان، تصویر صحنه‌های ناکامی دو دل داده است؛ اما «حکیم گنجه» معتقد است هر چند در اجزاء و عناصر زمین و افلاک موادری وجود دارد که ممکن است مطابق خواست ما نباشد؛ ولی نباید بدان‌ها توجّه داشت و بیشتر باید جنبه‌های مثبت را دید» (آخری و بهنام‌فر، ۱۳۹۵: ۳۹۸). در این پژوهش با توجّه به برخورداری شخصیت‌های داستان مذکور از خصایص و فضایل نیکوی انسانی و انطباق آن‌ها با

فضایل شش گانه مطرح در نظریه مثبت‌اندیشی سلیگمن این نتایج حاصل شد:

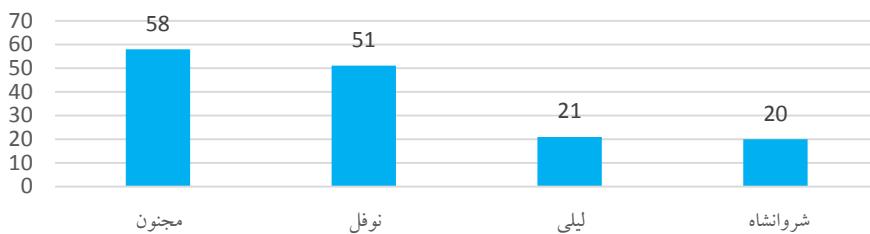
۱- لیلی و مجنون که شخصیت‌های اصلی این منظومه هستند به میزان بالا از فضایل شش گانه برخوردارند. با تفکر و تأمل در احوال و افعال لیلی و مجنون به روشنی درمی‌یابیم هر دو به میزان بالا از فضیلت انسانیت که لازمه آن مهربانی و مهروزی است برخوردارند. این مهر و عطوفت گاهی در تعامل آنان با یکدیگر و سایر اشخاص منظومه نمود دارد و گاهی در برخورد با وحش. ۲- تعالی روحی، فکری، جسمانی و رفتاری نیز در رفتار، کردار و افکار این دو شخصیت اصلی موج می‌زند. بارزترین وجه تعالی در این دو شخصیت، عشق متعالی آنان نسبت به یکدیگر است؛ اما به دلیل حاکم‌بودن فضای ترازیک و غم‌بار در داستان، جنبه دنیوی پیدا نکرد؛ گویی این جهان، ظرفیت پذیرش چنین عشقی را نداشت و این عشق برای تعالی باید به جهان دیگری منتقل و متصل شود. ۳- اشخاص اصلی منظومه، از فضایل خرد، شجاعت و اعتدال نیز به خوبی برخوردارند. خرد و شجاعت و اعتدال آنان عین تعالی و انسانیت آن‌هاست. مجنون با وسعت دید خود جهان و جهانیان را مقهور قدرت لایزال خداوند می‌داند و در عین پذیرش تقدیر، با کمال شجاعت، از هیچ تلاشی برای رسیدن به عشق خود دریغ نمی‌کند. لیلی نیز با آن‌که در فراق یار می‌سوزد، در عمل حافظ حرمت پدر و خانواده و قوانین قبیله‌ای خویش است. آنان پا از حد اعتدال خارج نمی‌کنند؛ اما حریم دلشان مملو از عشق یار است. ۴- با توجه به جو حاکم بر داستان و سخت‌گیری‌هایی که از طرف پدر لیلی اعمال می‌شود به فضیلت عدالت در این داستان، کمتر از سایر فضایل توجه شده است. ۵- علاوه بر شخصیت‌های اصلی این داستان، سایر اشخاص داستان نیز از فضایل شش گانه نظریه سلیگمن برخوردارند که این امر به غنای بیشتر منظومه می‌افزاید.



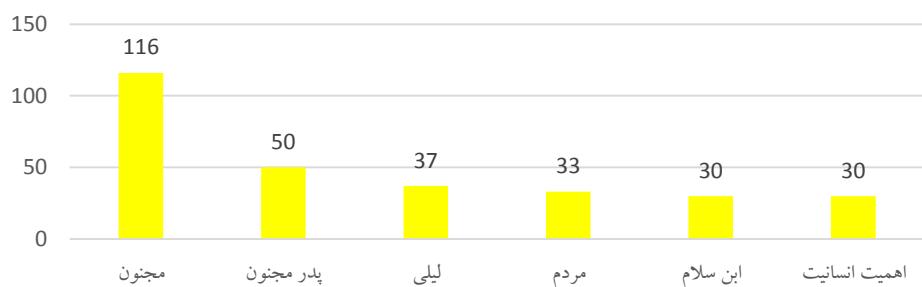
شکل ۱. نمودار فضایل شش گانه نظریه سلیگمن در منظومه لیلی و مجنون نظامی



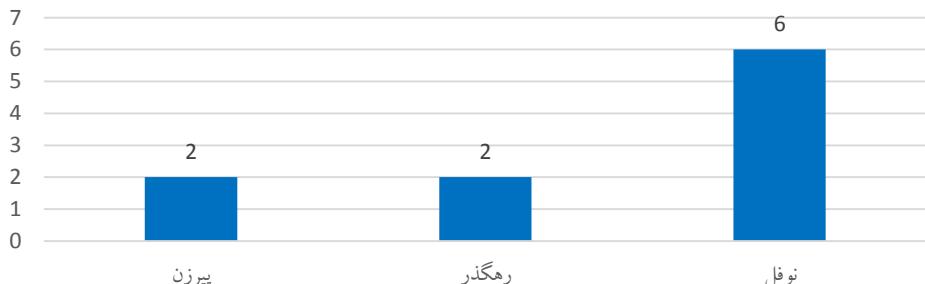
شکل ۲. نمودار فضیلت خرد و دانایی در منظومه لیلی و مجنون



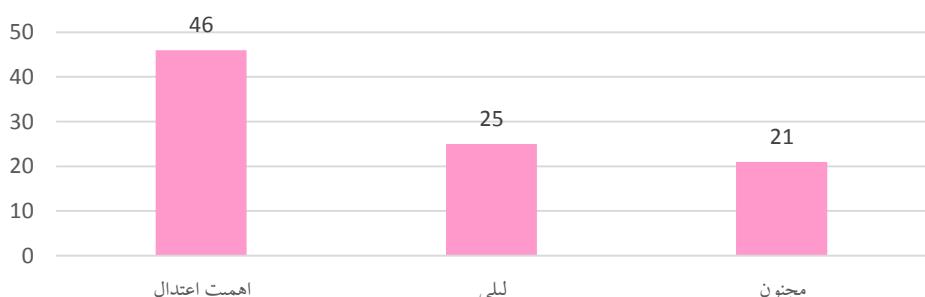
شکل ۳. نمودار فضیلت شجاعت در منظومه لیلی و مجنون



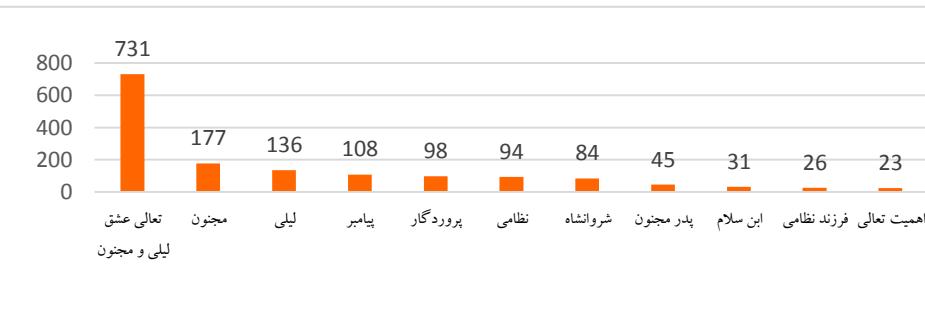
شکل ۴. نمودار فضیلت انسانیت در منظومه لیلی و مجنون



شکل ۵. نمودار فضیلت عدالت در منظومه لیلی و مجنون



شکل ۶. نمودار فضیلت اعتدال در منظومه لیلی و مجنون



شکل ۷. نمودار فضیلت تعالی در منظومه لیلی و مجنون

کتابنامه

اخروی، مهدی؛ بهنامفر، محمد. (۱۳۹۵) «تحلیل روان‌شناختی مخزن‌الاسرار نظامی گنجوی». یازدهمین گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی، رشت، صص ۴۱۴-۳۸۴.

اسماعیلی، مریم؛ یزدانی، محمد. (۱۳۹۶) «مطالعه تطبیقی فضایل اخلاقی شش گانه در روان‌شناسی مثبت و نهنج البلاgue». فصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال ۱۱، شماره ۲۰، صص ۱۷۵-۱۴۹.

امام علی(ع)، (۱۳۹۶)، نهج البلاgue، مترجم حجت‌الاسلام محمد دشتی، قم: نشتا.

پیترسون، کریستوفر؛ سلیگمن، مارتین. (۱۳۹۶) روان‌شناسی مثبت فضایل و توأم‌نندی‌های شخصیت، جلد اول، چاپ دوم. ترجمه کوروش نامداری؛ مهدی آیتی؛ گلی تا امساکی؛ مهسا موحد ابطحی. اصفهان: یار مانا.

پیرمرادیان، حمیدرضا؛ آبدانان، محمود؛ کریمی‌فرد، غلامرضا؛ امامی، نصرالله. (۱۳۹۳) «داستان لیلی و مجنون در گستره ادبیات تطبیقی» (مطالعه موردنی: ادبیات و هنرهای زیبا). کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی-فارسی)، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۱-۲۰.

پیرانی، منصور. (۱۳۹۲) «نگاهی به شعر حافظ با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌نگر مارتین سلیگمن». هفتمین همایش پژوهش‌های ادب فارسی، هرمزگان: صص ۳۳۸-۳۵۷.

خوشحال، طاهره؛ عباسی، زهرا. (۱۳۹۶) «مردم‌گرایی و نوع دوستی در عرفان اسلامی و مقایسه آن با روان‌شناسی مثبت»، پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر دریا)، سال یازدهم، شماره دوم صص ۲۹-۵۴.

درپر، مریم؛ یاحقی، محمد جعفر (۱۳۸۹) «تحلیل روابط شخصیت‌ها در لیلی و مجنون نظامی». مجله بوستان ادب (مجله علوم اجتماعی و انسانی سابق)، شماره سوم، دوره دوم، پیاپی ۱ (۵۹)، صص ۶۵-۸۹.

ستودیان، مهدی. (۱۳۸۷) «ریشه‌یابی داستان لیلی و مجنون». فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، دوره ۵، شماره ۱۸، صص ۹۵-۱۱۹.

سلیگمن، مارتین. (۱۳۹۷) شادمانی درونی (روان‌شناسی مثبت‌گرا در خدمت خوشنودی پایدار). ترجمه: مصطفی تبریزی، رامین کریمی و علی نیلوفری. تهران: دانثه.

سلیگمن، مارتین. (۱۳۹۸). از شادکامی تا بالندگی. ترجمه زهره قربانی. تهران: سایه سخن. صفا، ذیح‌ا... (۱۳۶۳). تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم. تهران: فردوس.

عینی، نسرین. (۱۳۹۵) «بررسی عناصر نشانه‌شناختی امیدواری در غزلیات حافظ با تکیه بر روان‌شناسی مثبت-گرا». فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنتدج، سال هشتم، شماره‌های پیاپی ۲۶ و ۲۷، صص ۲۷۹-۳۰۹.

فردریکسون، باربارا. (۱۳۹۷) مثبت‌گرایی (چگونه به زندگی شور و نشاط بیشتری بیخشیم). ترجمه: نسرین پارسا و هاما یاک آزادیس یانس. تهران: رشد.

کار، آلن. (۱۳۸۵) روان‌شناسی مثبت علم شادمانی و نیروی انسانی. ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند. تهران: سخن.

گلی‌زاده، پروین؛ یزدان‌جو، محمد؛ مساعد، مینا. (۱۳۹۵) «تحلیل اندیشه‌های مثبت‌گرایانه در مشوی معنوی از منظر علم روان‌شناسی». *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر دریا)*، سال ۱۰، شماره اول، صص ۱۱۰-۱۲۸.

مگیار-موئی، جینا.ال. (۱۳۹۹) فنون روان‌شناسی مثبت‌گرا راهنمای درمانگران. ترجمه: دکتر فرید براتی سده. تهران: رشد.

ناصری، فرشته. (۱۳۹۵). «تحلیل ریخت‌شناسی منظومه لیلی و مجnoon بر اساس الگوهای ریخت‌شناسی پراب». *فصلنامه تخصصی تحلیل و نقد متون زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۲۸، صص ۱۶۷-۱۹۸.

نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۸) *کلیات خمسه نظامی گنجوی، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی*، به اهتمام پرویز بابایی، چاپ اول. تهران: نگاه.

وینسنت پیل، نورمن. (۱۳۸۸) *نتایج شگفت‌انگیز تفکر مثبت*، چاپ دوم. ترجمه امیر بهنام. تهران: نسل نوآندیش.

References

- Carr A. (2004) *Positive Psychology, The science of happiness and human strengths*, Brunner-Routledge, New York.
- Car, A. (2006) *Positive Psychology of Happiness and Human Resources*, translated by Hassan Pasha Sharifi and Jafar Najafi Zand, Tehran: Sokhan. (In Persian).
- Dorpar, M., Yahaghi,M. (2010) "Analysis of Character Relationships in Lily and Majnoon Nezami", Bustan Adab Magazine (*former Journal of Social Sciences and Humanities*), No. 3, Volume 2, Series 1 (59), p. 65 -89. (In Persian).
- Eini, N. (2016) "Study of the semiotic elements of hope in Hafez's lyric poems based on positivist psychology", *Journal of Persian Language and Literature*, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, 8th year, consecutive issues 26 and 27, pp. 279-309. (In Persian).
- Emam A. (2017) *Nahj al-Balaghah*, translated by Hojjatoleslam Mohammad Dashti, Qom: Neshta. (In Persian).
- Esmaili, M.and Yazdani,M. (2017) "Comparative study of six moral virtues in positive psychology and Nahjul Balagha", *Quarterly Journal of Islamic Studies and Psychology*, V 11, Number 20, pp. 149-175. (In Persian).

- Frederickson, B. (2015) *Positivism (How to Make Life More Lively)*, Translated by Nasrin Parsa and Hamayak Avadis Yans, Tehran: Roshd. (In Persian).
- Fredrickson, B. L. (2001) The role of positive emotions in positive psychology: The broaden-and-build theory of positive emotion. *American Psychologist*, 56, 218-226.
- Golizadeh, P; Yazdanjoo, M; Masaed, M. (2016) "Analysis of Positive Thoughts in the Spiritual Masnavi from the Perspective of Psychology", *Research in Mystical Literature (Gohar Darya)*, Volume 10, Number 1, pp. 110-128. (In Persian).
- Khoshal, T. & Abbasi, Z. (2017) "Populism and altruism in Islamic mysticism and its comparison with positive psychology", *Research in Mystical Literature (Gohar Darya)*, 11, No. 2, pp. 29-54. (In Persian).
- Okhravi, M. & Behnamfar, M. (2016) "Psychological Analysis of Ganjavi Military Reservoir of Mysteries", *11th meeting of the Association for the Promotion of Persian Language and Literature*, Rasht, pp. 384-414. (In Persian).
- Magyar-Moei, G. (2020) *Positive Psychology Techniques, Therapist's Guide*, Translated by Dr. Farid B. Sedeh, Tehran: Roshd. (In Persian).
- Naseri, F. (2016) "Morphological analysis of Lily and Majnoon's system based on Prop morphological patterns", *Quarterly Journal of Analysis and Critique of Persian Language and Literature Texts*, No. 28, pp. 167-198. (In Persian).
- Nezami, E. Ibn Y. (2009) *Generalities of Khamseh Nezami Ganjavi, edited and annotated by Hassan Vahid Dastgerdi*, by Parviz Babaei, first edition, Tehran: Negah. (In Persian).
- Peterson, Ch; Seligman, M. (2017) *Positive Psychology of Virtues and Personality Abilities*, translated by Kourosh Namdari, Mehdi Ayati, Golita Amsaki and Mahsa Movahed Abtahi, Volume One, Second Edition, Isfahan: Yar Mana. (In Persian).
- Pirani, M. (2013) "A Look at Hafez's Poetry with a Positive Psychological Approach by Martin Seligman", *7th Persian Literature Research Conference*, Hormozgan: pp. 338-357. (In Persian).
- Pirmoradian, H; Abdanan, M; Karimifard, G; Emami, N. (2014) "The Story of Lily and Majnun in the Field of Comparative Literature" (Case Study: Literature and Fine Arts), *Comparative Literature Exploration (Arabic-Persian Comparative Studies)*), Fourth Year, No. 13, pp. 1-20. (In Persian).
- Safa, Z. (1984) *History of Literature in Iran*, Volume II, Tehran: Ferdows. (In Persian).

- Vincent Peel, N. (2009) *The Amazing Results of Positive Thinking*, Second Edition, translated by Amir Behnam, Tehran: The Generation of Modern Thought. (In Persian).
- Seligman, M. (2018) *Inner Happiness (Positive Psychology at the Service of Lasting Pleasure)*, Translators Mostafa Tabrizi, Ramin Karimi, and Ali Niloufari, Tehran: Danjeh. (In Persian).
- Seligman, M. (2019) *From Happiness to Prosperity*, translated by Zohreh Ghorbani, Tehran: Sayeh Sokhan. (In Persian).
- Sotoudian, M. (2008) "Rooting the story of Lily and Majnoon", *Quarterly Journal of Persian Literature*, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Volume 5, Number 18, pp. 95-119. (In Persian).